**انترناسیونال ۶۹۰**

**جنگ قدرت و فساد بی پایان**

**جمهوری اسلامی همان‌گونه که هست!**

سیامک بهاری

**صورت مسئله چیست؟**

درگیری‌ و جنگ داخلی جناح‌های حاکم در جمهوری اسلامی مانند بارومتری است که از یک‌سو میزان وخامت و تنش در حاکمیت و از دیگر سو، میزان پیشروی جنبش اعتراضی جامعه را بر بطن همین تشتت به شکل بارزی نشان می‌دهد. جمهوری اسلامی با عمیق شدن این زخم بی‌درمان، ضعیف‌تر و شکننده‌تر از هر موقع در گردابی بی پایان دست و پا می‌زند. پایه‌ها و استوانه‌های نظام در همه سطوح در مقابل هم صف‌آرایی کرده‌اند. این جبهه‌ها دیگر سالهاست علنی و آشکار است.

یکی از شاخص‌‌های قدرتمداری در جمهوری اسلامی، ایجاد حفظ تعادل توسط بیت رهبری و سیطره بی چون و چرای آن بر دستگاه قضایی در مقابله با سایر رقبا بوده است. دستگاهی خونریز، بیرحم و انتقامجو و در عین حال گوش‌بفرمان، که بتواند با ایجاد فضای رعب و وحشت هم رقبا را پس بزند و هم میلیونها مردم مخالف جمهوری اسلامی را به ضرب سرکوب و کشتار از پیروزی باز بدارد.

اساسا تقسیم قدرت و تأمین هژمونی "رهبری" نهایتا بوسیله همین دستگاه جابجا شده است. موازی سازی، تأمین ساز و کار مالی و امکان اختلاس‌‌های نجومی و بورسیه بازی و رانت خواری، ایجاد دولت در سایه و اتاق‌ فکرهای متعدد، و رشد و بقای مافیای حکومتی برای سیطره بر رقبا در زیر سایه شمشیر خونین قوه قضاییه و تحت امر "رهبر" امکان پذیر بوده است. سرکوب بی امان مخالفین و ایجاد ارعاب در جامعه را همین دستگاه و ظابطین آن بعهده دارند.

کشیده شدن دعوای جناحی به حریم این دستگاه برای بخش اصلی حاکمیت جمهوری اسلامی بشدت تکان دهنده است. این به معنی رسیدن ‌آتش به سراپرده بیت رهبری است. نشانه‌ای بارز از ضعف و تشدید بحران برای سرپا نگهداشتن ماشین حکومتی و سراشیبی سقوط.

خامنه‌ای بخوبی از درگیری در مجلس خودخوانده و خودی‌های تأیید صلاحیت شده آگاه است. اشراف کامل دارد که هجوم به گاو صندوق قوه قضائیه و حساب و کتاب کشیدن از آن در حکومتی که فساد از سراپایش می‌ریزد به چه معناست. او در دیدار با خانواده کشته شدگان در جنگ سوریه ناچار می‌شود در دفاع از قدرت فائقه‌اش بگوید: "من مظلوم نیستم، زورشان هم به من نمی‌رسد". تاکید او دقیقا اشاره به حمله به قوه قضاییه و به یک معنی به دست‌اندار تند کنونی است.

سابقه این هجوم هر ‌چه باشد و از هر کجا که شروع شده باشد، از افشاء واگذاری "غیرقانونی" املاک به نزدیکان و خواص در شهرداری تهران و شعله کشیدن این رانت خواری به دیگر رقبای محروم شده در مجلس شورای اسلامی یا سنگلاح برجام و آینده نامعلوم آن، تا شاخ و شانه کشیدن‌‌های انتخاباتی و یا هر فاکتور دخیل دیگر، یک چیر بخوبی نمایان است، این دعوایی سرنوشت‌ساز برای کل جمهوری اسلامی است.

**دعوا بر سر چیست؟**

منشاء اصلی و عامل بنیادی این درگیری کم سابقه، بی تردید به گل نشستن کشتی جمهوری اسلامی و بی‌افقی سیاسی‌ آن در داخل و خارج است. فضای اعتراضی رو به گسترشی که جمهوری اسلامی بخوبی می‌داند حریف آن نخواهد بود. به هم ریختن صفوف داخلی حکومت و سربه نافرمانی گذاشتن نان‌خوران سفره حکومتی هم اساسا جدا از رقابت‌‌های بی‌پایان، ریشه در وحشت از برآمد اعتراضات و نفرت عمیق مردم از حکومتی است که آنرا مسبب خانه‌‌خرابی و بیکاری و فلاکت اقتصادی خود می‌دانند.

وضعیت وخیم اقتصادی و صف وسیعی از مردم معترض که به درست، عامل بقای این وضعیت را می‌شناسند و بی اثر بودن وعده‌های برجام و ناتوانی در گشودن حتی روزنی به سوی بهبود اوضاع، تعادل کل حکومت را بهم ریخته است.

محمود صادقی، نماینده مجلس شورای اسلامی از فربه شدگان سفره جمهوری اسلامی که با کارت بازی روحانی وارد مجلس شده است، به ناگهان به خیمه و بارگاه رئیس قوه قضائیه یورش می‌برد و در قصاص واگذاری املاک شهرداری تهران و دستگیری "یاشار سلطانی" سردبیر سایت معماری نیوز در برملا کردن فساد گسترده و سازمان یافته در شهرداری تهران توسط دستگاه قضاییه کشور می‌گوید: "بايد آسيب‌شناسی شود كه چگونه دادستان ما، در پرونده افشای فساد شهرداری پيش از آن كه دنبال پرونده فساد باشد دنبال افراد يا منبع درز اطلاعات به بيرون و همچنين اضافه كردن به صف متهمان پرونده است".

این جرقه دعوایی است که منطقاً، دیر یا زود سراپرده دستگاه قدرت قضائیه را به آتش می‌کشید. اینکه او جسارت چنین افشاگری را بخود داده دقیقا به تناسب موازنه قدرت و توانایی در پشت پا گیری‌ طرفین برمی‌گردد.

او توپ را به زمین صادق لاریجانی کشاند و از واریز شدن بیش از ۱۰۰۰میلیارد تومان به ۶۳ حساب بانکی شخصی "قاضی‌القضات" بیت رهبری و ربای بانکی ماهیانه ۲۰ میلیار تومان به حساب ایشان پرده برداشت! این در نوع خود برای جمهوری اسلامی ضربه گیچ کننده‌ای از درون بود. آنچه رخ داد قابل مقایسه با هیچ افشاگری دیگری، نبود! نه معاونین دزد احمدی‌نژاد، نه مرتضوی و بابک زنجانی و دیگران، هیچ مقام دیگری در چنین موقعیت حکومتی نیست. این شلیک به حیات خلوت و پستوی تو در توی قوه قضائیه است که مستقیما به خیمه و بارگاه خامنه‌ای وصل می‌شود. به همین سبب عجولانه بصورت واکنشی اعلام می‌شود، "رهبری" بسیار عصبانی شدند!

طبعا ترکش‌های دعوایی در این سطح و تبعات سیاسی ناشی از آن ابعاد وسیعی دارد. دعوای قوه قضائیه با محمود صادقی بسرعت به همه جا سرایت می‌کند! از هر دستگاه حکومتی دود بلند می‌شود. مجلس، دولت و قوه قضائیه شاخ به شاخ می‌شوند! دستگیری و جلب نماینده "مصونیت" دار مجلس اسلامی دردسرساز می شود و به خیابان کشیده‌ می‌شود.

محسن اژه‌ای سخنگوی دستگاه قضائیه شمشیر انتقام را از نیام می‌کشد: "قوه قضائیه دیگر تنها با آفتابه‌دزدها برخورد نمی‌کند، در دولت حسن روحانی هم افراد بسیاری تحت تعقیب هستند و رئیس قوه قضائیه دستور داده درباره برادرانش هیچ ملاحظه‌ای نداشته باشیم". در جای دیگری تاکید دارد که: "امروز یک هجمه سنگینی علیه قوه قضائیه است و این دلایل مختلفی دارد و یکی از دلایل آن است که مفسدین و نفوذی‌ها به این نتیجه رسیدند که قوه قضائیه قدرت برخورد با آنها را پیدا کرده است".

حسن روحانی هم در مقابل به پاشنه‌ آشیل برجام و ناکامی و شکست حاصل از آن حمله می‌برد و صریحا در سخنرانی‌‌اش در مواجهه با سیل اعتراض برادران دلواپس و حزب‌اللهی‌ در دانشگاه می‌گوید: "هر گامِ برجام با نظر و آگاهی رهبری بوده است" و عملا توپ را به زمین "رهبر" شلیک می‌کند. او ناکامی در ماجرای برجام و توافقات هسته‌ای را در تماما در دامن خامنه‌ای می‌گذارد.

علی مطهری، ناراضی از جبهه دیگری وارد میدان شده است. او را برادران لباس‌ شخصی و امام جمعه‌‌های سر به فرمان خامنه‌ای در شیراز و مشهد و کرمان و چند جای دیگر بارها گوشمالی داده‌اند. او بعنوان نایب‌رئیس مجلس از خودی‌های مغضوب قوه‌قضائیه است. از آنها که راست راست راه ‌می‌روند و افشاگری می‌کنند و بر کرسی خود نیز تکیه می‌دهند. آنچه که هاشمی و روحانی نمی‌توانند علنا بگوید رسماً از تریبون مجلس و هر جا فرصتی بدست‌‌آورد می‌گوید تا چهره ماست‌مالی شده‌ای از حکومت اسلامی بسازد. او که خود را افشاگر فساد، رانت خواری، اختلاس و مافیای حکومتی می‌داند. جبهه دیگر را برای "رفع حصر" ساخته است. دعوای درون حکومتی که روی دست جمهوری اسلامی مانده است و به حکم حکومتی خامنه‌ای گره خورده است.

فسادهای بی پایان و بی انتها یک بخش دیگر دعوای طرفین است. محمود صادقی در سخنرانی‌اش در ۱۶آذر، حمله دستگاه قضائیه را بی پاسخ نمی‌گذارد و مطرح می‌کند: "فساد نهادهای نظارتی؛ الان آنقدر سازمان‌های عریض و طویل شکل گرفته، اما هرچه می‌دویم عمق این فساد کمتر نمی‌شود. عمق این فساد در نهادهای نظارتی است. هرچه بگندد نمکش می‌زنند، وای به روزی که سازمان بازرسی بگندد یا به فرض مثال آن مأموری که قرار است به بورسیه‌ها رسیدگی کند معلوم شود خودش بورسیه است.

در جای دیگری هم رسما در رابطه با تأیید صلاحیت‌ها می‌گوید: "فایل صوتی وجود دارد که در آن به یک نامزد انتخابات پیشنهاد شده "دو میلیارد بدهد تا تأیید صلاحیت بشوی. بعدا به ۵۰۰ میلیون تومان راضی شدند"!

صلاحیتی که آشکارا در حیطه هژمونی بیت رهبری است. چنین به تمسخر گرفته‌ می‌شود. و ترفندهای طرف مقابل را افشا می‌کند. مافیای حکومتی وقتی از وحشت فروپاشی، به ناچار درون متعفن خود را بیرون می‌ریزد و افشا می‌کند، دامنه فساد گسترده حکومتی بیش از پیش نمایان می‌شود.

**انتهای کار**

نه دزدی و فساد، نه روابط مافیایی و نه جنایت و پرونده سازی و پاپوش دوزی، هیچکدام در این حکومت تازگی ندارد. این قبایی که است بر تن جمهوری اسلامی دوخته شده است و تا هست همین خواهید بود. آنچه تازگی دارد، نه وسعت دامنه نبرد که سر‌‌آمدن عرصه‌های یکه تازی است. دامنه افشاگری دارد سراپرده بیت رهبری را به آتش می‌کشد. این آغازی بر پایانی محتوم است.

در توجیه افشای حسابهای بانکی و جوانب‌‌آن، گفته می‌شود؛ مسئولین طراز اول ممکت از آن با خبر بوده‌اند! این خود گواه بی بدیلی ‌است که مافیای حاکم در جمهوری اسلامی آخرین پستوهای نهانی‌اش هم بر سر بازار افتاده است. این بار صحبت بر سر زمین‌خواری و سند سازی نیست. حادثه بزرگتر از ابعاد تاکنونی است. این بار به سادگی، نه نمایندگان کذایی مجلس مصونیتی دارند و نه دستگاه هار قوه قضائیه می‌تواند به تبع همیشگی شاخ و شانه بکشد. این بادکنکی است که ترکیده است. این حکومت اسلامی است که چنین تعفن فساد هزار لایه‌اش توسط خودی‌های خودش بر متن نارضایتی و تلاش بی وقفه مردم برای رهایی از شر حکومت اسلامی، برملا شده است و بوی گندش دنیا را برداشته است.

محمود صادقی می‌گوید از شخص لاریجانی به دادگاه ویژه روحانیت شکایت کرده است! به سادگی دارد می‌گوید سپر دفاعی قوه قضائیه ذوب شده ‌است. ریش شیخ در تله‌ خود نهاده گیر کرده است.

نیرویی که همه جناح‌های حکومتی را به جان هم انداخته، دارد عرصه‌های نهایی نبرد را ترسیم می‌کند. هر چقدر جناح‌های فاسد و مافیای حکومتی بیشتر با هم شاخ به شاخ می‌شوند، و طشت فسادها از بام فرو‌می‌افتد. قدرت و توان جنبش عدالت خواهانه میلیونها مردمی که خوشبختی‌شان را دارند از چنگال این حکومت هار و فاسد در می آورند، عرصه‌های وسیعتری را تسخیر می‌کند.

صدها تجمع اعتراضی کارگری و ۱۶ آذر امسال، به بخوبی عرصه‌های پیشروی مردم را برای خاتمه دادن به حکومتی که جز فساد و توحش و خونریزی حاصل دیگری ندارد، نشان می‌دهد. این نیرویی است که جمهوری اسلامی را چنین به پرتگاه سقوط رانده است.